

پیش فرض‌ها و مبانی فهم و نقد روایات از دیدگاه امام خمینی (ره)

علی محمد میرجلیلی^۱
حسن رضایی هفتادری^۲
یاسر ملکی^۳

چکیده

امام خمینی از عالمان تأثیرگذار بر جریان‌های اسلامی در قرن اخیر به شمار می‌آید. وی علاوه بر رهبری انقلاب و بنیان‌گذاری جمهوری اسلامی ایران، در علوم مختلف اسلامی مانند تفسیر، فقه، فلسفه، اخلاق، عرفان و حدیث، متخصص بوده است. هرچند شخصیت سیاسی و فقهی امام، بر جنبه‌های دیگر شخصیتی او تا حدودی تأثیر گذاشته، بی‌شک حدیث و فقه‌الحدیث، یکی از تخصص‌های او به شمار می‌آید که آن را در آثار خود و به‌ویژه کتب فقهی و شروح خود بر برخی از روایات نشان داده است. این مقاله، به روش توصیفی-تحلیلی، پیش فرض‌ها و مبانی امام را در فهم و نقد حدیث استخراج می‌کند. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که پیش فرض فهم و نقد حدیث از دیدگاه امام عبارت است از: اهمیت و نورانیت روایات و مرجعیت عقل در فهم آنها. مبانی نقد حدیث از دیدگاه امام عبارت است از: لزوم اطمینان از صدور روایت از معصوم (ع) و ترجیح متن بر سند. برخی از مبانی فهم حدیث از نظر امام عبارتند از: توجه به مناصب مختلف معصومان (ع)، رفع اضطراب از حدیث، تشکیل خانواده حدیث، توجه به جامعیت روایات، رفع تعارض از روایات متعارض، توجه به سبب، زمان و مکان صدور حدیث. گفتنی است که امام، ابتکاراتی نیز در فقه‌الحدیث داشته است؛ مانند حمل حدیث «لا ضرر» بر نهی حکومتی که در سخنان عالمان پیشین سابقه ندارد.

کلیدواژه‌ها

امام خمینی، فهم حدیث، نقد حدیث، متن و سند حدیث.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد (نویسنده مسئول). almirjalili@meybod.ac.ir

۲. دانشیار دانشگاه تهران. hrezaii@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد. yaser.maleki.ac@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۶/۰۸

۱. طرح مسأله

عالمان مسلمان در شرح‌هایی که بر احادیث نگاشته‌اند، روش و قواعدی به‌کار برده‌اند که استخراج آن‌ها می‌تواند ما را با مبانی و روش فهم و نقد حدیث آشنا سازد. امام خمینی یکی از این عالمان به‌شمار می‌آید که به صورت گسترده، به توضیح روایات پرداخته است. او علاوه بر ایفای نقش سیاسی - اجتماعی خود در مرجعیت شیعه و رهبری انقلاب اسلامی، مبانی‌ای در فهم و نقد احادیث دارد که تأمل در آنها، رویکرد وی را به فهم و نقد روایات مشخص می‌سازد.

این پژوهش، به بررسی پیش‌فرض‌ها و مبانی فهم و ارزش‌یابی روایات از دیدگاه امام خمینی می‌پردازد و در صدد است تا به این سؤال پاسخ دهد که پیش‌فرضها و مبانی وی در فهم و نقد احادیث چیست. هدف از این تحقیق نیز علاوه بر آشنایی با پیش‌فرض‌ها و مبانی امام، معرفی شخصیت حدیثی ایشان است که در سایه شخصیت سیاسی نامبرده مغفول مانده است. علاوه بر این، ارائه راهکاری برای طالبان حدیث در راستای آشنایی با فهم و نقد حدیث خواهد بود.

۲. پیشینه تحقیق

درباره مبانی امام در فقه الحدیث، مقالات ذیل نوشته شده است:

الف) مهریزی، مهدی، «امام خمینی (ره) و فقه الحدیث»، علوم حدیث، ش ۱۴، ۱۳۷۸؛
ب) معماری، داود، «امام خمینی و احادیث عرفانی؛ روایت و درایت»، حکمت معاصر، ش ۴، ۱۳۹۲.

مقاله اول تنها به برخی از مبانی امام در فهم حدیث و آن هم با توجه به بعضی از آثار ایشان عنایت داشته و به پیش‌فرض‌های امام در فهم و نقد حدیث نپرداخته است. مقاله دوم نیز تنها به روایات عرفانی در دیدگاه امام توجه داشته و به دیدگاه وی در مورد سایر روایات نپرداخته است. از این‌رو، نوآوری این مقاله در آن است که به تمام آثار امام مراجعه کرده، و علاوه بر استخراج مبانی فهم حدیث، به پیش‌فرض‌های امام در فهم و نقد حدیث نیز پرداخته است.

در آغاز به طور خلاصه، به معرفی برخی از آثار روایی امام پرداخته، سپس پیش‌فرض‌ها و مبانی فهم و نقد حدیث از دیدگاه ایشان بررسی می‌شود.

۳. آثار حدیثی امام خمینی (ره)

امام آثار ارزشمندی را در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی، و از جمله، علم حدیث شناسی به رشته تحریر درآورده است. آثار حدیثی او از یک سو، علاقه شدید وی به معصومان (ع) و بهره‌گیری از روایات و کلمات نورانی آنان را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، اشراف کامل او را در تبیین و شرح روایات همراه با نوآوری‌هایی نمایان می‌سازد. آثار روایی امام عبارتند از: شرح چهل حدیث، شرح حدیث جنود عقل و جهل، شرح حدیث رأس الجالوت، التعلیقة علی الفوائد الرضویة، شرح دعاء السحر و بدائع الدرر فی قاعدة نفی الضرر.

گفتنی است امام خمینی در آثار دیگر خود، به ویژه کتب فقهی نیز بسیار به احادیث استناد کرده و به شرح و نقد آنها پرداخته است.

۴. پیش‌فرض‌های فهم و ارزشیابی روایات از دیدگاه امام خمینی (ره)

فهم و ارزشیابی روایات در نزد امام، بر اندیشه‌های بنیادینی مبتنی است که آگاهی از آنها، پیش از ورود به بحث از مبانی نقد و فقه‌الحدیثی وی، ضروری است. هر اصل و قاعده‌ای که امام مطرح نموده، برخاسته از اعتقادات اساسی ایشان است که به دیگر لایه‌های بحث، معنا و اعتبار می‌بخشد.

۴-۱. اهمیت، نورانیت و گستردگی روایات از دیدگاه امام خمینی (ره)

روایات به عنوان ثقل اصغر و مهم‌ترین منبع اسلام‌شناسی پس از قرآن، از اهمیت ویژه‌ای در نزد امام خمینی برخوردار است. این نورانیت ناشی از علم اهل بیت است که پرتویی از علم الهی و علو روح و پاکی نفس آنهاست. نگارش کتاب‌هایی در شرح حدیث و حتی، شروع وصیت‌نامه امام با حدیث ثقلین، بیان‌گر اهمیت روایات در اندیشه وی است (نک. امام خمینی، وصیت‌نامه، ۱-۲)؛ به‌ویژه اگر به این نکته توجه شود که امام، مهم‌ترین اندیشه‌های خود را در این وصیت‌نامه مطرح کرده است.

امام، روایات اهل بیت را دارای روحانیت و نورانیتی می‌داند که در دیگر کلمات و سخنان یافت نمی‌شود چنانکه در حدیث آمده است؛ «كَلَامُكُمْ نُور» (صدوق،

۱۴۱۳ق، ۲: ۶۱۶) زیرا سخنان اهل بیت، نشأت گرفته از علم خداوند است و دستِ تصرف هوا و نفس اماره و خیانت شیطان بدان نمی‌رسد، به همین جهت، نور کلام حق در احادیث آنان تجلی کرده است؛ ... «نفوس لطیفه مؤمنان را از آن احادیث اهتزازاتی روحانی و طرب‌هایی معنوی حاصل آید که به وصف نیاید» (امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ۴، با اندکی تصرف).

از دیدگاه امام، همان‌طور که پیامبر (ص) بر طبق وحی سخن می‌گوید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (النجم: ۳-۴)، معصومان نیز مطابق با وحی سخن می‌گویند؛ چنان که در احادیث بدان اشاره شده است (خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ۵).

شعاع بهره‌گیری از روایات در نگاه امام، تنها به استنباط از روایات فقهی محدود نمی‌شود، بلکه در سطحی بالاتر، تشریح و تبیین مباحث عالی عرفانی و اخلاقی را نیز پوشش می‌دهد. در حقیقت، هدف از تحقیق و مطالعه روایات اسلامی، آن است که عقل انسان تصفیه، و نفس او تزکیه شود و به سمت عبودیت الهی قدم بردارد (همو، همان: ۱۱) و «سالك از احوال امامان (ع) سرمشق اتخاذ کند و از آن بزرگواران پیروی نماید ... که مقامات آن‌ها در عبودیت چه بوده و در سیر الی الله چه مشیی داشتند...» (همو، آداب الصلوة، ۱۴۷-۱۴۸). این دیدگاه امام نسبت به روایات، عامل مهمی در تلاش برای کشف معانی نهفته در آن‌ها توسط وی است.

۴-۱-۲. مرجعیت عقل در فهم و نقد روایات

عقل از دیدگاه امام، قوه‌ای روحانی است که بر حسب ذات، مجرد و بر حسب فطرت، مایل به خیرات و کمالات و داعی به عدل و احسان است (خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ۲۱).

امام به عقل به عنوان يك مرجع کامل در فهم روایات می‌نگرد و ضمن دسته‌بندی احادیث به علمی و عملی (تعبدی)، نقش عقل را در فهم روایات علمی که به حوزه اعتقادات مربوط می‌شود، بسیار برجسته می‌داند (همو، آداب الصلوة، ۲۰۰). از دیدگاه او، عقل راهی به جزئیات احکام عملی ندارد؛ ولی

بالعکس، در حیطة معارف علمى و غیرتعبدى، نقش مهمى ایفا مى‌کند. امام معتقد است که مقصود از دین‌الله در روایاتى که دین را دور از عقل مى‌داند نظیر: «لَيْسَ شَيْءٌ أَبْعَدَ مِنْ عُقُولِ الرَّجَالِ مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ» (برقى، ۱۳۷۱ق، ۲: ۳۰۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۷: ۱۹۲) و «دِينُ اللَّهِ لَا يُصَابُ بِالْعُقُولِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲: ۳۰۳؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ۱۷: ۲۶۲)، احکام تعبدى دین است، «وَالْأَبَابُ اثْبَاتُ صَانِعٍ وَتَوْحِيدٍ وَتَقْدِيسٍ وَاثْبَاتِ مَعَادٍ وَنُبُوتٍ وَبَلْكَهَ مَطْلُوقِ مَعَارِفٍ، حَقٌّ طَلُوقِ عُقُولٍ وَازِ مَخْتَصَّاتِ أَنْ اسْت» (امام خمینی، آداب الصلاة، ۲۰۰). امام در هنگام نقد احادیث، روایت مخالف با عقل را نمى‌پذیرد (همو، کشف‌الاسرار، بی‌تا، ۳۱۸) و در مقام تعارض عقل با ظاهر يك حدیث، به حکم عقل گردن مى‌نهد (همو، آداب الصلاة، ۲۰۰).

۲-۴. مبانی نقد حدیث از دیدگاه امام خمینی (ره)

نقد روایت از دیدگاه امام مبتنى بر مبانى و اصولى است که برخى از آنها عبارت است از:

۱-۲-۴. لزوم احراز صدور روایت از معصوم (ع)

هنگام مواجهه با يك حدیث، در قدم اول بر هر پژوهش‌گرى لازم است از صحت روایت و استناد متن آن به معصوم (ع) اطمینان یابد و بدانند که روایت از پیامبر (ص) یا از یکی از اهل بیت صادر شده است و در مرحله دوم، به بحث درباره محتوای آن پردازد؛ زیرا با فرض عدم صدور یا وجود تردید در صدور روایت، بحث در زمینه محتوای آن، عملی بیهوده است (میرجلیلی، ۱۳۹۰ش: ۵۸). امام خمینی اصرار فراوان بر احراز صدور روایت از معصوم (ع) دارد و در مقام استناد به يك حدیث، به صرف وجود آن در منابع روایى اکتفا ننموده، بلکه آن را از نظر سند و متن بررسی مى‌کند. این شیوه محدثان و فقیهان بوده که فتوا و نظری بدون اطمینان از صدور روایت و وثوق به متن آن، بیان نمى‌داشتند. وثوق و اعتماد به روایت، گاه، از طریق عدالت و صداقت راوی و گاه، از قراین خارجى و حتى، از متن خود روایت به دست مى‌آید. امام خمینی، از امور ذیل

در راه تحصیل وثوق به روایت کمك گرفته است:

۴-۲-۱-۱. لزوم اخذ حدیث از منابع معتبر

امام با وجود ترجیح مشروط متن بر سند، اهتمام زیادی به رجوع به منابع معتبر حدیثی داشته و گاهی موضع انتقادی خود را به برخی از منابع روایی و اسناد آنها اعلام کرده و ایرادهای موجود در منابع حدیثی را برشمرده و به بررسی آن توجه داده است. برای نمونه، نظر خود را نسبت به تفسیر عیاشی به عنوان يك مجموعه حدیثی چنین بیان می‌کند:

«هرچند خود عیاشی ثقه بوده، ولی ما سند صحیح به تفسیر عیاشی نداریم و معرفت این کتاب، ما را از بررسی سندی بی‌نیاز نمی‌کند و صاحب وسایل، طریق خود را به این تفسیر بیان نمی‌کند؛ تنها ابراز اطمینان کرده که کتاب از عیاشی است.» (امام خمینی، المکاسب‌المحرمة، ۲: ۱۵۸).

هم‌چنین، امام از کتاب مستدرک‌الوسایل تألیف میرزا حسین نوری به جهت نقل از منابع نامعتبر انتقاد کرده و اعتقاد دارد که نامبرده با آن که شخص صالح و متبعی بوده، از آن جا که به جمع روایات ضعیف پرداخته، آثار روایی او فواید علمی و عملی ندارد؛ زیرا احادیث مورد استناد وی مورد اعتراض عالمان و به ویژه، نویسندگان منابع اولیه حدیثی است (همو، انوار الهدایة، ۱: ۲۴۴-۲۴۵). از دیدگاه امام، اعتماد شخصیت‌های جلیل‌القدری چون شیخ حر عاملی به کتابی روایی، شاهی بر صحت آن است (همو، کتاب‌البیع، ۲: ۵۱).

۴-۲-۱-۲. لزوم احراز صحت سند

احراز صحت سند حدیث، اصلی است که امام خمینی بر آن بسیار اصرار می‌ورزد تا آن جا که به نقد سند احادیث کتب روایی معروف نیز می‌پردازد و گاه، حدیثی را هم از نظر سند و هم از نظر متن مردود می‌داند (امام خمینی، الخلل فی الصلوة، ۲۰۴).

امام با بررسی دقیق رجال موجود در سند و داوری درباره آن‌ها، نقاط ضعف و قوت سند روایات را مشخص می‌سازد (همو، المکاسب‌المحرمة، ۱: ۳۵۹؛ همو،

ولایت فقیه، ۹۷؛ تقوی، ۱۳۸۵ش، ۴: ۴۲۹-۴۳۰) و احادیث فاقد سند یا دارای سند نامعتبر را در مقام فتوا نمی‌پذیرد، هرچند بین مردم مشهور باشد. به عنوان مثال، امام روایتی را که دلالت دارد در جریان شق القمر، بخشی از ماه جدا شد و به آستین پیامبر اکرم (ص) وارد شد، رد می‌کند (اردبیلی، ۱۳۸۵ش، ۳: ۱۹۶-۱۹۷).

وی در مواردی، روایت را به سبب وجود راوی ضعیف نمی‌پذیرد (خمینی، ۱۳۸۶ش، ۷۸۷؛ همو، التعدادل و الترجیح، ۵۸؛ همو، کتاب الطهارة، ۲: ۶۸ و ۳: ۱۵۴؛ همو، کتاب الیبع، ۲: ۶۴۶ و ۳: ۳۰ و ۲۹۶؛ سبحانی، ۱۳۸۷ش، ۳: ۵۹۱؛ طاهری، ۱۳۸۶ش: ۲۶۴) چنانکه روایت منقول از حسین بن زراره را به جهت مجهول بودن و عدم اثبات وثاقت آورد می‌کند (خمینی، کتاب الطهارة، ۳: ۱۵۴ و نک. قدیری، ۱۳۸۴ش، ۳۵۸). هم‌چنین در مواردی، راوی را از نظر رجالی، تأیید کرده و روایت را پذیرفته است (قدیری، ۱۳۸۶ش، ۲۹۵).

امام گاهی متن روایت را دلیل بر ضعف راوی دانسته، آن‌گاه که راوی، سخن یا کاری را به معصوم نسبت دهد که صدور آن از معصوم مستبعد باشد مانند روایت مکاتبه حمیری (نک. حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۷: ۱۲۱) که دلالت دارد بر آنکه از معصوم (ع) در مورد تغییر حرکات در نماز سؤال شد و معصوم او را به دو حدیث در این زمینه ارجاع داد و حکم آن را بیان نکرد. از دیدگاه امام چنین کاری از معصوم مستبعد است، زیرا وی آگاه به احکام می‌باشد (خمینی، التعدادل و الترجیح، ۵۸). هم‌چنین، امام روایتی را که مضمون آن، با مقام معنوی اهل بیت سازگاری نداشته باشد، نمی‌پذیرد. به عنوان مثال، حدیثی از محمدبن اسحاق رسیده است که می‌گوید: از امام رضا (ع) در مورد حيله در ربا سؤال کردم. آن حضرت فرمود: اشکال ندارد، پدرم مرا به آن امر کرد و من هم آن را انجام دادم؛ «قُلْتُ لِلرَّضَا (ع): الرَّجُلُ يَكُونُ لَهُ الْمَالُ قَدْ حَلَّ عَلَى صَاحِبِهِ، يَبِيعُهُ لَوْلُوَّةٍ تَسْوِي مِائَةَ دِرْهَمٍ بِالْفِ دِرْهَمٍ، وَيُوَخَّرُ عَنْهُ الْمَالُ إِلَى وَقْتٍ؟ قَالَ: لَا بَأْسَ، قَدْ أَمَرَنِي أَبِي، فَفَعَلْتُ ذَلِكَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۲۰۵).

امام خمینی در این باره می‌گوید:

۱. مردی از دیگری طلبی دارد که وقت وصول آن رسیده است. (آن را نمی‌گیرد، ولی در عوض شخص طلبکار) يك مرواريد را که صد درهم ارزش دارد به هزار درهم به شخص بدهکار می‌فروشد و وقت پرداخت (طلب سابق) را تا مدتی به تأخیر می‌اندازد.

«من نسبت به وثاقت محمدبن اسحاق واقفی، به دلیل نقل این گونه روایات که دلالت بر اخذ ربا توسط امامان دارد، در تردید هستم؛ زیرا برخی از اعمال ولو فرضاً مباح باشد، ولی از معصوم (ع) سر نمی‌زند. او هرگز کاری که سبب تنفر دیگران باشد مانند تحصیل سود از طریق حيله در ربا انجام نمی‌دهد...؛ بنابراین، امثال این‌گونه روایات، از آن جهت که بر امر منکری مشتمل هستند، عمل‌کردنی نیستند و مخالف با قرآن و سنت قطعی هستند». (خمینی، کتاب البیع، ۲: ۵۵۱-۵۵۳).

۳-۱-۲-۴. لزوم موافقت روایت با قرآن

موافقت با قرآن، شاخصه مهمی در نقد حدیث (تشخیص روایات صحیح از جعلی) به شمار می‌آید. معصومان (ع) به این ملاک توجه داشته و از پیروان خود خواسته‌اند که هنگام برخورد با روایت، آن را بر قرآن عرضه کنند؛ روایت موافق با قرآن را بپذیرند و حدیث مخالف را طرد نمایند. این ملاک، هم در تشخیص اعتبار روایات نامتعارض و هم در ترجیح روایات متعارض، باید مورد نظر باشد (میرجلیلی، ۱۳۹۰ش، ۲۱۶).

امام صادق (ع) فرمود: «حدیثی را که به ما نسبت می‌دهند نپذیرید، مگر حدیثی که موافق با قرآن و سنت باشد» (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۱۴: ۴۵۹).

امام خمینی نیز به این اصل توجه ویژه دارد (امام، ولایت فقیه، ۶۴) و می‌گوید: «میزان در تشخیص صحت و عدم صحت و اعتبار و لا اعتبار حدیث، آن است که آن را به کتاب خدا عرضه دارند و آن چه مخالف آن باشد باطل و زخرف شمارند» (امام خمینی، آداب الصلوة، ۲۰۸). برای مثال، امام روایات «وجوب تبعیت از سلطان» را به دلیل عدم انطباق با قرآن نقد می‌کند (همو، ۱۳۷۸ش، ۳: ۳۴۰). وی روایاتی به این مضمون که «هر علم‌ی که در زمان غیبت بلند شود باطل است»^۱ را با آیات امر به معروف و نهی از منکر منافی می‌داند و می‌گوید: «ما اگر فرض می‌کردیم دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می‌زدیم؛ برای این که خلاف آیات قرآن است» (همان، ۲۱: ۱۶).

۱. نظیر روایتی که از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «إِنْ أَنَا كُنْتُ آتٍ مِّنَّا فَانظُرُوا عَلَيَّ أَيِّ شَيْءٍ تَخْرُجُونَ... فَالْخَارِجُ مِمَّا الْيَوْمَ إِلَيَّ أَيِّ شَيْءٍ يَدْعُوكُمْ إِلَى الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَتَحْنُ نُشْهِدُكُمْ أَنَّا لَسْنَا نَرْضَى بِهِ وَهُوَ يَعْصِينَا الْيَوْمَ وَ لَيْسَ مَعَهُ أَحَدٌ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۸: ۲۶۴).

۴-۲-۱-۴. لزوم موافقت روایت با سنت قطعی معصومان (ع)

انطباق حدیث با روایات قطعی معصومان (ع) یکی از نشانه‌های صدق آن به شمار می‌آید. این مطابقت، علاوه بر آن‌که مؤید مضمون حدیث است، پژوهش‌گر را در راه فهم آن نیز کمک می‌کند. امام از این شیوه، برای تشخیص صحت روایات و تفسیر آن‌ها استفاده می‌کرد. به عنوان مثال، روایت علی بن احمد از امام صادق (ع)^۱ دلالت دارد شخص بیمار در صورت جنابت (اختیاری) باید غسل کند، ولی اگر در خواب محتلم شود، می‌تواند تیمم کند. امام خمینی این روایت را ضعیف می‌داند، زیرا مخالف روایات فراوان، بلکه متواتر است (همو، کتاب الطهارة، ۲: ۶۸ و ۳: ۷۶).

امام حتی روایت صحیح‌السندی را که مخالف سنت قطعی باشد، نمی‌پذیرد (همو، الخلل فی الصلاة، ۱۳۸۴ش: ۳۳)؛ برای نمونه، در نقد روایتی دال بر «سهوالتی» امام معتقد است که این روایت مردود است، زیرا معارض و مخالف با طوائفی از روایات دیگری است که بر آن ترجیح دارند (همان: ۲۰۴-۲۰۵). وی مطابقت مضمون روایت «رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۳۱۵)، با روایات فراوان دیگر را مؤیدی بر صحت آن می‌داند: «روایات کثیره دیگر نیز به این مضمون با اختلاف تعبیر وارد است» (خمینی، آداب الصلوة، ۴۹).

۴-۲-۱-۵. لزوم موافقت متن روایت با عقل

همان‌طور که پیش‌تر گذشت، از دیدگاه امام، حیطة درک عقل، معارف تعبیدی نیست؛ لذا عقل به جزئیات احکام عملی راه ندارد، هرچند در کلیات احکام می‌تواند نظریاتی در حد حسن و قبح عقلی بدهد. امام برای عقل چنان ارزشی قائل است که روایت مخالف با عقل را به کنار می‌نهد (همو، کشف‌الاسرار، بی‌تا: ۳۱۸) و اگر ظاهر (قرآن یا حدیثی) با عقل مخالف باشد، از آن ظاهر دست می‌کشد و به حکم عقل گردن می‌نهد (همو، آداب الصلاة، ۲۰۰) و از سوی دیگر، در صورت موافقت ظاهر حدیث با عقل و برهان، تسلیم در برابر ظاهر آن را لازم می‌شمرد (همو، ۱۳۷۳ش، ۴۳۹).

۱. عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مَجْدُورٍ أَصَابَتْهُ جَنَابَةٌ قَالَ إِنْ كَانَ أَجَنَّبَ هُوَ فَلْيَغْتَسِلْ وَإِنْ كَانَ أَحْتَلَمَ فَلْيَتِمِّمْ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳: ۶۸).

از سوی دیگر، از دیدگاه امام موافقت متن حدیث با عقل یکی از نشانه‌های صحت آن است (همو، المکاسب‌المحرمة، ۲: ۴۱۸-۴۱۹) و اگر سند روایتی ضعیف باشد، ولی متن آن مطابق با عقل باشد، آن روایت پذیرفتنی است (همو، کتاب‌البیع، ۲: ۶۵۱)، حتی امام حدیث مرسل را به جهت موافقت متن آن با عقل می‌پذیرد (همو، همان، ۲: ۵۱).

هم‌چنین، امام از میان احتمالات متعدد در معنای يك روایت، آن معنا را می‌پذیرد که با عقل موافق باشد (همو، همان، ۴: ۶۱۸؛ اردبیلی، ۱۳۸۵ش، ۲: ۶۲-۶۳) و اطلاق يك روایت را با دلیل عقلی، تقیید می‌زند (همو، المکاسب‌المحرمة، ۲: ۳۸۰-۳۸۱ و ۴۱۸). امام نداشتن حتی يك روایت خلاف عقل را یکی از امتیازات کتاب وسائل الشیعه دانسته است (همو، کشف‌الاسرار، بی‌تا، ۳۱۹).

۴-۲-۱-۶. لزوم موافقت متن روایت با سیره عقلا

از دیدگاه امام، سیره عقلا نیز می‌تواند مؤید مضمون روایت باشد. از آن‌جا که تخصیص اکثر افراد از يك عام، امری مستهجن است، بسیاری از فقیهان روایات عام دال بر قرعه، مانند حدیث «كُلُّ مَجْهُولٍ فِیهِ الْقُرْعَةُ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۳: ۹۲) را حجت نمی‌دانند؛ زیرا معتقدند این روایات نیز مخصّص فراوان دارد؛ ولی از دیدگاه امام خمینی، مضمون این روایات، تأیید روش عقلا در زندگی است. عقلای عالم در موارد تزامم در حقوق، برای رفع یا دفع تخصم، به قرعه روی می‌آورند. از این‌رو، امام روایات قرعه را معتبر می‌داند و بر این باور است که روایات قرعه، نظر به تأیید امری عقلایی دارد و در مقام بیان يك امر تعبدی محض نیست؛ بلکه تأییدی بر سیره عقلا در رفع اختلاف‌ها می‌باشد. از این‌رو، عمومیتی فراتر از يك اصل و سیره عقلایی ندارد تا مستلزم تخصیص مستهجن گردد (خمینی، الاستصحاب، ۳۹۱-۳۹۶؛ تقوی، ۱۳۸۵ش، ۴: ۴۳۵-۴۳۷).

۴-۲-۱-۷. لزوم موافقت متن روایت با اجماع و ضروریات مذهب

از دیدگاه امام، موافقت با اجماع و ضروریات مذهب، موجب تأیید روایت می‌گردد و مخالفت با اجماع یا ضروریات مذهب، از نشانه‌های ضعف

حدیث است (خمینی، کتاب الطهارة، ۳: ۱۵۴؛ همو، الخلل فی الصلاة، ۲۰۳-۲۰۴؛ همو، ولایت فقیه، ۱۰۲). به همین جهت، امام روایت ابو سعید قَمَاط را ضعیف می‌شمرد که دلالت دارد نمازگزار در صورت نیاز به قضای حاجت می‌تواند نمازش را قطع کند و پس از انجام آن، وضو بگیرد و نمازش را از محل قطع آن، ادامه دهد (همو، الخلل فی الصلاة، همانجا).

۴-۲-۱-۸. عمل اصحاب به روایت

از دیدگاه امام، عمل کردن اصحاب به مضمون يك روایت و فتوا دادن ایشان بر طبق آن، یکی از مؤیدات متن و صدور آن از معصوم است و بالعکس، عمل نکردن اصحاب به يك حدیث، از نشانه‌های ضعف آن شمرده می‌شود (همو، کتاب الطهارة، ۱: ۵۲۲ و ۳: ۱۵۴؛ همو، أنوار الهدایة، ۱: ۲۴۴؛ طاهری، ۱۳۸۶ش: ۲۶۴). به عنوان مثال، امام روایات مورد استناد مؤلف کتاب «فصل الخطاب» بر تحریف قرآن را به دلیل اعراض اصحاب از آنها، ضعیف می‌شمرد (همو، أنوار الهدایة، همانجا).

۴-۲-۲. ترجیح متن بر سند

از دیدگاه بزرگان فقه‌الحدیث، هرگاه متن روایتی پذیرفتنی باشد، ضعف سندی نمی‌تواند آن را در حاشیه قرار دهد؛ به همین دلیل، محدثان و فقیهان، اموری نظیر عمل اصحاب را جبران‌کننده ضعف سند می‌دانند (مامقانی، ۱۴۳۱ق، ۱: ۱۱۳-۱۱۴؛ کلباسی، ۱۴۱۹ق، ۱۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۶۲: ۲۵۸). امام خمینی نیز با وجود تأکید بر سلامت سند و متن، گاهی با وجود سند ضعیف، متن حدیث را پذیرفته است. از نگاه وی، ضعف سند همواره ضعف متن را در پی ندارد؛ گاه قراین موجود در متن، ضعف سند را جبران می‌کند. به تعبیر امام، «گاه خود مضمون روایت، شاهد بر این است که از لسان معصوم صادر شده و مضمون صادق است» (امام خمینی، ولایت فقیه، ۱۲۳). امام روایت منقول در تحف العقول (نک. ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۳۷) را که با عنوان «مَجَارِي الْأُمُورِ وَالْأَحْكَامِ عَلَى أَيْدِي الْعُلَمَاءِ» از آن یاد می‌شود از آن جهت که مضمون

آن شاهد بر صدور آن از زبان معصوم است می‌پذیرد با آنکه این روایت سندی ندارد و به اصطلاح، مرسل است (امام خمینی، ولایت فقیه، ۱۲۳).
چنانکه گذشت، از دیدگاه امام، قراین مؤید مضمون حدیث عبارت است از: موافقت متن حدیث با قرآن، عقل، سنت، اجماع و ضروریات مذهب و عمل اصحاب به آن.
این امر نشان می‌دهد که از نظر پژوهش‌گران و از جمله امام، وثوق به خود خبر شرط است، خواه این اطمینان از ناحیه گوینده و ناقل آن حاصل گردد یا از قراین دیگر (میرجلیلی، ۱۳۹۰ش: ۱۲۸)؛ نظیر موافقت با قرآن، سنت قطعی، اجماع و عمل اصحاب. از این رو، در پاره‌ای از موارد، با این‌که راوی حدیث فاسق است و خبر اصطلاحاً، از نظر سند صحیح نیست، امام به دلیل وجود قراین موجود بر تأیید متن، خبر او را پذیرفته است. برای نمونه، امام پس از نقل حدیثی قدسی می‌گوید: «این حدیث شریف از محکّمات احادیث است که مضمونش شهادت می‌دهد که از سرچشمه زلال علم خدای تعالی است، گوا این‌که به حسب سند، مرمی (متهم) به ضعف باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۳ش: ۱۷۱). هم‌چنین، امام متن نامه امیر المؤمنین (ع) به مالک اشتر را دلیل بر صدق و صحت آن می‌داند (همو، کتاب‌البیع، ۳: ۶۰۴).

۵. مبانی فهم روایات از دیدگاه امام خمینی (ره)

پس از ذکر پیش‌فرض‌ها، در ادامه، مبانی و قواعدی مطرح می‌گردد که رعایت آن‌ها در راستای فهم درست روایات ضروری است. این مبانی از دیدگاه امام عبارتند از:

۵-۱. توجه به شئون و مناصب مختلف معصومان (ع)

امام خمینی مناصب سه‌گانه‌ای را برای پیامبر (ص) [و معصومان (ع)] برمی‌شمارد که عبارتند از:

- الف) مقام رسالت و نبوت برای ابلاغ احکام الهی، اعم از وضعی و تکلیفی به مردم؛
- ب) جایگاه رهبری و ریاست که بر اساس آن، اطاعت از او امرشان واجب است؛
- ج) مقام قضاوت که بر اساس آن، قضاوتشان در نزاع‌های مردم نافذ است (خمینی، بدائع الدرر، ۱۰۵-۱۰۷؛ همو، المکاسب‌المحرمة، ۲: ۱۵۹؛ تقوی، ۱۳۸۵ش، ۳: ۶۰۵).

بنابراین، تمام روایات پیامبر و امامان (ع)، تبلیغی و بیان‌گر حکم خدا نیستند، بلکه دسته‌ای از فرمان‌های آنان از منصب قضاوت یا از جایگاه رهبری آن‌ها صادر گشته است. روشن است که دسته اول، ثابت و جاودانه و برای همه زمان‌هاست، اما دسته دوم، به موقعیت‌های ویژه بسته است. البته، معصومان و شخص پیامبر (ص) در هر سه مرحله معصوم هستند. بر پایه همین مبنا، پاره‌ای از تعارض‌ها در سیره و رفتار معصومان (ع) و نیز موضع‌گیری‌های متفاوت آنان حل می‌گردد. امام خمینی به این نکته توجه داشت و آن را در فهم و استنباط از روایات به کار می‌بست (مهریزی، ۱۳۷۸ش، ۷). از این رو، حدیث «لا ضرر» را حکم سلطانی و حکومتی می‌داند که از پیامبر (ص) به عنوان رئیس حکومت صادر شده است و نه بیان حکم شریعت (خمینی، بدائع الدرر، ۱۰۸-۱۱۴) و «نهی در این حدیث، به معنای نهی الهی نیست تا حکمی الهی باشد، مانند حرمت نوشیدن شراب و حرمت قمار؛ بلکه به معنای نهی حکومتی است». امام تصریح دارد که این برداشت از روایت را نخستین بار وی عرضه کرده و در سخنان عالمان پیشین سابقه ندارد (همان: ۸۶).

قابل ذکر است که حکم حکومتی عبارت است از احکامی که حاکم جامعه از جایگاه رهبری و حکومتش آن را صادر می‌کند، مانند دستور به شروع جنگ یا برقراری صلح؛ از این رو، قابل تغییر است و به شرایط جامعه بستگی دارد؛ ولی احکام شرعی الهی قابل تغییر نیست.

۵-۲. تثبیت متن (عدم اضطراب حدیث)

در فقه الحدیث، دستیابی به متن اصیل و خالی از تصحیف، امری مهم است و از آن با عنوان «عدم اضطراب روایت» یاد می‌کنند. مراد از اضطراب حدیث، آن است که برخی از روایات با نسخه‌های مختلف در منابع حدیثی آمده و متن یا سند آن به چند صورت متفاوت، نقل شده است، به طوری که سند یا متن واقعی آن معلوم نیست (شهید ثانی، ۱۴۰۸ق، ۱۴۶؛ ابن صلاح، ۱۴۲۱ق، ۹۴) و حتی، برخی از نقل‌ها در تناقض آشکار با دیگر متون حدیثی است و در نتیجه، مراد معصوم (ع) در روایت روشن نیست. هم‌چنین، گاهی یک حدیث با یک نسخه در متون وارد شده است،

ولی برخی از واژه‌های آن، قابلیت چند نوع قرائت را دارد که در این صورت نیز مراد از روایت معلوم نیست. پژوهش‌گر، هنگام برخورد با روایات مضطرب، باید بتواند نسخه‌ی نقل صحیح یا قرائت درست را به دست آورد و آن را مبنای فهم کلام معصوم قرار دهد (میرجلیلی، ۱۳۸۸ش، ۱۳۰).

امام خمینی به عدم اضطراب روایت حدیث عنایت دارد (نک. خمینی، کتاب الطهارة، ۱: ۹۵ و ۳۹۳) و اضطراب را یکی از آسیب‌های روایات دانسته و معتقد است روایت مضطرب از اعتبار لازم برخوردار نیست (همان، ۳: ۱۳۳). به گفته وی «انصاف آن است که نظیر این حدیث مرسل با این اضطراب ... و سستی در بعضی از عبارات آن، صلاحیت اعتماد و استناد ندارد» (همان، ۱: ۹۵) و در مقام تعارض با روایت غیر مضطرب، طرح می‌شود (خمینی، کتاب البیع، ۱: ۵۹۲؛ فاضل، ۱۳۸۵ش، ۳۱۶).

از منظر امام، برای مقابله با اضطراب و دستیابی به متن واقعی حدیث، بر محقق لازم است به نسخه‌های مصحح از کتب اصلی حدیث، مراجعه کند و از مراجعه به کتب دست دوم چون کتب فقهی خودداری ورزد (خمینی، کتاب البیع، ج ۲: ۵۲۷). به گفته ایشان، «متأسفانه، بعد از توسعه علم فقه و اصول، قرائت کتب حدیثی بر مشایخ و قرائت آنان بر ما بدست فراموشی سپرده شد و به همین جهت، به اشتباهات فراوانی [در برداشت از روایات] گرفتار شده‌ایم که ناشی از اختلاف نسخه‌ها و [حتی] اختلاف در قرائت یک کلمه می‌باشد و همین امر سبب پیدایش اختلاف در احکام گردیده است» (همان، ۳: ۱۵۱). از دیدگاه امام، در صورتی که متن اصیل حدیث به دست نیاید و در حالت اضطراب باقی بماند، باید از تمسک به آن خودداری کرد (خمینی، کتاب الطهارة، ۳: ۱۵۴).

۳-۵. تشکیل خانواده حدیث

تشکیل خانواده حدیث، راه دستیابی به متن مصحح حدیث و نیز دستیابی به معنای آن است. این شیوه، امروزه با وجود برنامه‌های رایانه‌ای علوم اسلامی کار چندان دشواری نیست، اما در زمان حیات امام، از این‌گونه نرم‌افزارها خبری نبود. او روایات هم‌موضوع را به صورت مجموعی در نظر می‌گرفت تا

با تأمل در همه‌ی آن‌ها، هم به متن صحیح روایت دست یابد و هم به فهم مراد معصوم نزدیک شود. از این‌رو، به اختلاف نسخه‌های هر روایت توجه داشت (همو، کتاب‌البیع، ۱: ۵۹۲). گاهی به نظر می‌رسد که بین دو نقل از یک روایت تعارض وجود دارد، ولی امام با کنار هم گذاشتن تمام روایات هم‌موضوع، به حل تعارض بین آن‌ها پرداخته است (تقوی، ۱۳۸۵ ش، ۳: ۳۰۴ و ۴: ۵۶۴؛ قدیری، ۱۳۸۶ ش: ۲۴۹). برای مثال، در بحث «یقین به زیاد کردن عملی در نماز»، پس از مقایسه متن موجود در وافی، مرآة العقول، کافی، تهذیب و استبصار و مقایسه آن با متن موجود در وسائل الشیعه، به این نتیجه می‌رسد که بنابر نقل وسائل الشیعه، تعارض بین روایات برطرف می‌شود (خمینی، الخلل فی الصلاة، ۵۸-۵۹).

۴-۵. تجمیع ادله؛ اعم از قرآنی، روایی، عقلی و شهودی

مهم‌ترین مبانی امام خمینی در فهم مدلول احادیث، بهره بردن از آیات قرآن، روایات قطعی و عقل است و این امر در آثار وی بسیار دیده می‌شود. البته، امام در شرح روایات دال بر مضامین عرفانی و فلسفی، از شهود عرفانی و قلبی نیز بهره جسته است. او گاهی هر یک از این ادله و مبانی را به تنهایی در تبیین مراد معصوم به کار می‌گیرد، ولی غالباً، از همه یا برخی به صورت تلفیقی و تأییدی سود می‌برد (معماری، ۱۳۹۲ ش، ۱۸). برای مثال، امام نماز را دارای صورت باطنی علاوه بر صورت ظاهری می‌داند و با اشاره به حدیث پیامبر (ص) «جُعِلَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» (نک. کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۵: ۳۲۱؛ صدوق، ۱۳۶۲ ش، ۱: ۱۶۵) می‌گوید: «پس از مراقبت و اهتمام به آداب باطنیه قلبیه، شخص مصلی را نصیبی از سرّ الهی نماز اهل معرفت و اصحاب قلوب حاصل شود که آن قرّة‌العین اهل سلوک و حقیقت معراج قرب محبوب است. و آنچه گفته شد که برای نماز باطن و صورت غیبیه ملکوتیه است، علاوه بر آن که موافق ضربی از برهان و مطابق مشاهدات اصحاب سلوک و ریاضت است، آیات و اخبار کثیره، عموماً و خصوصاً، نیز دلالت بر آن دارد». سپس، امام به ذکر آیات و روایات درباره این موضوع می‌پردازد (خمینی، آداب الصلاة، ۳-۴).

۵-۵. بهره‌گیری از محاورات عرفی

به باور امام، متون شرع مقدس، اعم از قرآن و روایات، به دو دسته تقسیم می‌شود: الف) متونی که در مقام بیان احکام است. لسان این‌گونه روایات بر پایه زبان عرف مردم است و در بیان خود، معنایی جز معنای عرفی ندارد؛ همان معنایی که مردم در کوچه و بازار از واژه‌ها و عبارات اراده می‌کنند. از این‌رو، پژوهش‌گران در مقام برداشت از قرآن و روایات باید با محاورات عرفی آشنایی داشته باشند تا بتوانند مراد ثقلین را به درستی درک کنند؛ حمل واژه‌ها و عبارات موجود در چنین متونی بر اصطلاحات علمی درست نیست. امام بی‌توجهی به این نکته را سبب خطای برخی از پژوهشیان و آموزندگان علوم اسلامی می‌داند (همو، الاجتهاد و التقليد، ۱۰؛ فاضل، ۱۳۸۶ ش، ۱: ۴۸۰)؛ لذا اگر حدیث، احتمال چند معنا داشته باشد، تنها معنایی را می‌پذیرد که با فهم عرف مطابق باشد (خمینی، المکاسب المحرمة، ۲: ۴۰۶؛ همو، کتاب‌البیع، ۲: ۶۴۸ و ۳: ۱۴۲؛ همو، کتاب‌الطهارة، ۱: ۳۲۰ و ۴: ۴۳).

برای نمونه، در شرح حدیث «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۴)، برخی معتقدند که مراد از وراثت، وراثت عالمان در تبلیغ احکام الهی است؛ زیرا انبیا «بِمَاهُمْ أَنْبِيَاءُ»، شأنی جز تبلیغ احکام ندارند. امام ضمن رد این نظریه، اعتقاد دارد که این برداشت، خارج از فهم عرف به شمار می‌آید، عرف اصل وراثت را به صورت عام می‌فهمد، ولی این که وراثت تنها در زمینه احکام باشد، برای عرف برداشت‌شدنی نیست (خمینی، کتاب‌البیع، ۲: ۶۴۸). هم‌چنین از دیدگاه امام، در مقام رفع تعارض بین چنین روایاتی، باید آن‌ها را بر معنایی حمل کرد که مورد فهم عرف باشد (همو، المکاسب المحرمة، ۲: ۷۰-۷۱).

ب) روایاتی که سخن از مباحث عمیق اعتقادی چون توحید دارد. چنین روایاتی می‌تواند مطالبی عمیق‌تر از مباحث عرفی و زبان عرفی را در برداشته باشند. امام درباره دسته دوم می‌گوید: «گمان نشود که آیات توحید را ... و همین‌طور اخبار و خطب و ادعیه و مناجاتی ائمه (ع) که تمام مشحون از معارف است، انسان می‌تواند به فکر خود و ظهور عرفی آن‌ها بفهمد؛ این خیلی خام و سواسی است. شیطان این قطاع‌الطریق راه انسانیت را می‌گشوده که انسان را

از معارف بازدارد و سدّ باب ابواب حکمت و معرفت را بر انسان بنماید و آدمی را در وادی حیرت و ضلالت سرنگون کند» (همو، ۱۳۷۳ش: ۶۶۰).

۵-۶. توجه به جامعیت روایات (وجود مباحث مختلف عبادی، سیاسی، اجتماعی و غیره در احادیث)

برداشت‌های محدود از روایات و آن‌ها را از یک زاویه دیدن، یکی از آفات فقه‌الحدیث است و محقق را در مقام فهم معنا دچار مشکل می‌نماید. اسلام علاوه بر مسائل فردی و عبادی، مباحث سیاسی، اجتماعی، نظامی و غیره را مطرح کرده است. توجه به این نکته، نقش اساسی در فهم حدیث دارد. اگر پژوهش‌گر، قلمرو روایات را به مباحث فردی منحصر سازد، قطعاً هنگام مواجهه با احادیثی که سخن از مباحث اجتماعی دارد، به گونه‌ای گرفتار جمود می‌شود و آن‌ها را به نحوی تفسیر می‌کند که نهایت آن، مباحث فردی مانند رابطه انسان با خدا خواهد بود (میرجلیلی، ۱۳۹۰ش، ۱۶۰). چنین دیدگاهی، به تحجّر می‌انجامد و از دین، چهره‌ای ناکارآمد عرضه می‌کند، ولی کسی که قائل به جامعیت اسلام است و اعتقاد دارد که معصومان (ع) در مباحث اجتماعی، سیاسی و غیره نظر داده‌اند، به این‌گونه روایات با نگاهی خاص می‌نگرد. امام خمینی نگاهی جامع و گسترده به متون دینی و از جمله روایات دارد و از برداشت‌های تنگ‌نظرانه از دین گله‌مند است. او اسلام را مکتبی جامع و دارای قدرت اداره جامعه در همه زمان‌ها می‌دانست (خمینی، ۱۳۷۸ش، ۷: ۴۵۹ و ۴۸۸؛ همو، ولایت فقیه، ۵ و ۲۶) و این دیدگاه را در دوره کوتاهی از زندگی خود به مرحله اجرا درآورد و جمهوری اسلامی را در ایران تشکیل داد.

به عنوان نمونه، نگاه جامع امام، سبب شده با آن که در روایات، استفاده از انفال^۱ برای شیعیان حلال شده است، نظیر: «لَنَا الْأَنْفَالُ وَ لَنَا صَفْوُ الْأَمْوَالِ...اللَّهُمَّ إِنَّا قَدْ أَحْلَلْنَا ذَلِكَ لِشِيعَتِنَا» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۴: ۱۴۵)، وی این روایات را ویژه زمان معصومان می‌داند، نه در زمان ما و حتی، وقف جنگل را توسط افراد درست نمی‌داند (خمینی، استفتاءات، ۲: ۳۳۷) وگرنه، ممکن است فردی به صرف شیعه بودن، جنگل‌های زیادی را از بین ببرد.

۱. مراد از انفال، اموال بدون صاحب خاص است، مانند: جنگل‌ها، دره‌ها، زمین‌های بایر و... (حلبی، ۱۴۰۳ق، ۱۷۰-۱۷۱).

از نظر امام، معدن نفت و گاز و...، تابع املاک شخصی به شمار نمی‌آید و اگر فرض کنیم معادن و نفت و گاز در املاک شخصی فردی پیدا شود، این معادن ملی بوده، متعلق به ملت‌های حال و آینده است و از ملکیت فرد خارج می‌گردد و دولت اسلامی می‌تواند آن‌ها را استخراج کند و مالک ملک نمی‌تواند از این امر جلوگیری نماید (همو، همان، ۲: ۵۸۸-۵۸۹).

۵-۷. توجه به سبب، زمان و مکان صدور حدیث

برخی از روایات در زمان یا مکان یا شرایط خاص و یا در مورد افراد ویژه‌ای، از زبان معصومین (ع) صادر شده است. آشنایی با آن ویژگی‌ها می‌تواند ما را در فهم معنای حدیث کمک نماید و بالعکس، عدم آگاهی از آن شرایط عامل برداشت غلط از حدیث است (میرجلیلی، ۱۳۹۲ش، ۱۷).

امام خمینی در هنگام برداشت از روایات، به زمان و مکان صدور حدیث عنایت داشته است (خمینی، کتاب البیع، ۴: ۲۶۳). به عنوان نمونه، به اعتقاد امام، در زمان پیامبر (ص) و در محیط حجاز، زندگی مردم بسیار ساده و ابتدایی بود و با کشاورزی و دامداری می‌گذشت. از این‌رو، تبادل کالا به کالا چون فروش حیوان به حیوان رواج فراوان داشت، اما مبادله با پول (نظیر درهم و دینار) چندان شایع نبود. سپس، در دوره سلطنت بنی‌امیه و بنی‌عباس، شرایط و بویژه در شهرهای بزرگ عوض شد و تبادل کالا با پول رایج گردید. از این‌رو، نمی‌توان حدیث پیامبر اکرم (ص) را که فرمود: «صَاحِبُ الْحَيَوَانِ بِالْخِيَارِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۱۷۰) را با روایت امام رضا (ع): «صَاحِبُ الْحَيَوَانِ الْمُشْتَرَى بِالْخِيَارِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۷: ۶۷) تقييد کرد و گفت که در معامله حیوانات، فقط مشتری حق فسخ دارد، ولی فروشنده حق فسخ ندارد. امام خمینی در مقام استدلال معتقدند که روایت اخیر از امام هشتم (ع) است و در شرایطی صادر شده که تبادل کالا با پول رایج گشته بود. از این‌رو، امام رضا (ع) برای مشتری قائل به خیار شد، ولی روایت اول در شرایطی صادر شده که مبادله کالا به کالا مرسوم بود. مقایسه زمان ما با زمان پیامبر (ص) سبب شده که برخی روایت پیامبر (ص) را حمل بر مشتری نمایند، در حالی که مطلق

است و هر دو طرف معامله (خریدار و مشتری) را در برمی‌گیرد (خمینی، کتاب الیبع، ۴: ۲۶۳-۲۶۴).

۵-۸. توجه به تحولات زمان و روزگار

زندگی بشر در حوزه‌های مختلف با دگرگونی و تحول همراه است. ابزارها، شکل‌ها و قالب‌ها همواره درگیر دگرگونی هستند و شکل گذشته خود را از دست می‌دهند. در این موارد، دستوره‌های دینی نیز از کلیت و انعطافی برخوردارند تا بتوانند نقش هدایتی خود را ایفا کنند. جمود بر شکل و ابزاری خاص، به ناتوانی دین در اداره زندگی می‌انجامد و غفلت از این نکته اساسی، سبب لغزش و انحراف برداشت از متون دینی چون روایات می‌گردد (مهریزی، ۱۳۷۸ش، ۲۱). امام خمینی بر این نکته در فهم احادیث اصرار داشت و آگاهی از تحولات دوران‌ها را یکی از شرایط فهم حدیث می‌دانست. به عنوان مثال، توجه به تحولات زمان سبب شد با آنکه در روایاتی شطرنج تحریم و رجس نامیده شده است (نک. کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۴۳۵)، امام خمینی معتقد شود چون امروز شطرنج، آلت قمار بودن خود را به طور کلی از دست داده و تنها به عنوان یک ورزش فکری از آن استفاده می‌گردد، بازی با آن، اشکال ندارد (خمینی، ۱۳۷۸ش، ج ۲۱، ۱۲۹). حضرت امام به روایاتی توجه دارند که ملاک رد حرمت را قمار بودن شطرنج دانسته‌اند^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۴۳۵). به همین جهت، هرگاه شطرنج از حالت قمار خارج گردد و به حالت بازی تغییر مسیر یابد، حرام نیست.

همچنین، امام برخلاف مشهور فقها، قصاص با ابزار مدرن که آسان‌تر از شمشیر است (مانند: اعدام با تفنگ و صندلی برقی) را نیز جایز می‌شمرد با آنکه مشهور با استناد به روایاتی با مضمون «لَا قَوْدَ إِلَّا بِالسَّيْفِ» (بروجردی، ۱۳۹۹ق، ج ۳۱، ۲۶۴) و امثال آن، معتقدند که قصاص تنها باید با شمشیر اجرا گردد. از دیدگاه امام، هدف روایت فوق آن است که نباید فرد جانی را در هنگام قصاص زجر داد، بلکه باید به سرعت در اجرای حکم توجه داشت (خمینی، تحریر الوسيلة، ۹۲۲). از این رو، قصاص با ابزاری که سریع‌تر از شمشیر مجرم را در هنگام قصاص راحت می‌سازد مشکلی ندارد.

۱. نظیر روایت معمر بن خلاد از ابی الحسن (ع): «الْتَرْدُ وَالشُّطْرُنْجُ وَالْأَرْبَعَةُ عَشَرَ بِمَنْزِلَةِ وَاحِدَةٍ وَكُلُّ مَا قُومِرَ عَلَيْهِ فَهُوَ مَيْسِرٌ».

۵-۹. توجه به سیاق روایت

سیاق ساختاری کلی است که بر مجموعه‌ای از کلمات و جمله‌ها سایه می‌افکند و بر معنای آن‌ها اثر می‌گذارد (رجبی، ۱۳۸۳ش، ۹۲). با توجه به اینکه معانی متعددی برای کلمات یا جمله‌ها وجود دارد، نمی‌توان به صرف مراجعه به منابع لغوی و بدون توجه به عبارات و کلمات مجاور، مقصود گوینده را به دست آورد؛ زیرا گاهی، برخی از واژه‌ها و یا جمله‌ها در يك سخن، قرینه بر معنای کلمه یا جمله‌ی دیگر آن قرار می‌گیرد (میرجلیلی، ۱۳۹۰ش، ۱۱۷). از محورهای مورد توجه امام در فهم حدیث، عنایت به سیاق روایت است. امام در موارد زیادی به سیاق حدیث استدلال کرده و برداشت معنای احتمالی را در صورت موافقت با سیاق پذیرفته (خمینی، التعادل و الترجیح، ۱۶۸ و ۱۸۹؛ همو، أنوار الهدیة، ۲: ۳۶؛ همو، المکاسب المحرمة، ۱: ۳۱۱) و معنای مخالف با سیاق را رد می‌کند (همو، الخلل فی الصلاة، ۴۳).

به عنوان نمونه، برخی از فقها^۱ با استناد به ظواهر برخی از روایات، به کراهت احتکار فتوا داده‌اند؛ زیرا در روایتی منقول از امام صادق (ع) آمده است: «يَكْرَهُ أَنْ يَحْتَكِرَ الطَّعَامَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵: ۱۶۵) و «...أَنَّهُ يَكْرَهُ أَنْ يَحْتَكِرَ...» (ابن حنون، ۱۳۸۵ق، ۲: ۳۵).

صاحبان این فتوا به واژه کراهت در «يَكْرَهُ» تمسک جستند، ولی توجه نکرده‌اند که این کلمه در زمان معصومین شامل حرمت نیز می‌شده است. از دیدگاه امام، لفظ «یکره» در حدیث فوق الذکر و امثال آن، به معنای کراهت اصطلاحی امروزی نیست. وی در مقام استدلال بر حرمت احتکار، اخبار و روایات دیگری را یادآور می‌شود که دلالت صریح بر حرمت و نهی از احتکار دارد؛ نظیر دستور امام علی (ع) به مالک اشتر؛ «فَأَمْنَعِ الْأَحْتِكَارَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص نَهَى عَنْهُ» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۵۳) و روایتی که محتکر را ملعون شمرده (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۹: ۲۹۲) و کیفرهایی برای محتکران، در دنیا و آخرت بیان کرده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۷: ۴۲۶). امام سیاق روایت اخیر را شاهی بر معنای کراهت در واژه‌ی «يَكْرَهُ» در صدر روایت می‌گیرند؛ زیرا در ذیل آن، بحث از نهی پیامبر (ص) از احتکار است و نهی ظهور در حرمت دارد، بویژه، اگر به سخن پیامبر اکرم (ص) به حکیم بن حزام؛ «إِيَّاكَ وَأَنْ... نظیر شیخ مفید، شیخ طوسی و... (ر.ک به: نجفی، ۱۹۸۱م، ۲۲: ۴۷۷).

تَحْتَكِرَ: از احتکار بهره‌یز» (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ۲: ۳۵) توجه کنیم که دلالتی روشن و مؤکد بر حرمت دارد. بنابراین، کراهت در صدر روایت نیز به معنای حرمت است (خمینی، کتاب البیع، ۳: ۶۰۴-۶۰۷).

۵-۱۰. رفع تعارض از روایات متعارض

یکی از مباحث مهم در فقه‌الحديث، آگاهی از چگونگی برخورد با اخبار متعارض است و می‌توان گفت: یکی از بهترین خدمت‌های حضرت امام خمینی به روایات چگونگی برخورد ایشان با روایات متعارض است. امام در هنگام برخورد با روایات متعارض، در مرحله اول سعی می‌کند بین آنها جمع دلالتی کند و آن را بر ترجیح، مقدم می‌داند، ولی تنها به جمع عرفی تن می‌دهد (خمینی، التعداد و الترجیح، ۶۲؛ تقوی، ۱۳۸۵ش، ۴: ۴۷۶) و به جمع دلخواه و تبرعی نمی‌پردازد (مرتضوی، ۱۳۸۶ش، ۴: ۵۵۳) و آن را مردود می‌شمرد (خمینی، کتاب الطهارة، ۲: ۶۸). همچنین، در هنگام جمع بین دو روایت متعارض، تلاش امام بر آن است که از خود روایات شواهدی بر این جمع بیابد (همو، الخلل فی الصلاة، ۲۸۰؛ کتاب البیع، ۳: ۹۳).

به عنوان نمونه، در مورد وجوب یا عدم وجوب احتیاط در برخورد با موارد مشکوک‌الحرمة، دو دسته از روایات وجود دارد؛ برخی از روایات دلالت بر وجوب احتیاط، دارند، نظیر «الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبْهَةِ خَيْرٌ مِنَ الْاِفْتِحَامِ فِي الْهَلَكَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۵۰) و برخی دیگر از احادیث دلالت بر براءت و عدم وجوب احتیاط دارند نظیر «كُلُّ شَيْءٍ فِيهِ الْحَلَالُ وَالْحَرَامُ فَهُوَ لَكَ حَلَالٌ حَتَّى تَعْرِفَ الْحَرَامَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۵: ۱۱۹). حضرت امام دسته اول را حمل بر استحباب کرده و بدین طریق بین این دو دسته جمع کرده‌اند (تقوی، ۱۳۸۵ش، ۳: ۳۰۴).

همچنین، دو دسته روایت متعارض در مورد طهارت اهل کتاب وجود دارد؛ از دسته اول نجاست آنان استفاده می‌شود، نظیر سخن امام کاظم (ع) که فرمودند: «مسلمان نباید با يك مجوسی در يك ظرف غذا بخورد...» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۶۳)، ولی دسته دوم دلالت بر طهارت آنها دارد؛ نظیر روایت ابراهیم‌بن ابی محمود که از امام رضا (ع) در مورد خدمت يك خادمه نصرانی سؤال کرد. امام فرمود: «اشکالی ندارد، دستش را بشوید [و خدمت کند]؛ «لَا بَأْسَ تَغْسِلُ يَدَيْهَا» (همو، همان، ۱: ۳۹۹).

امام خمینی دسته سومی از روایات نظیر روایت اسماعیل بن جابر را شاهد بر جمع می‌گیرند که از امام صادق (ع) در مورد غذای اهل کتاب سؤال کرد. آن حضرت فرمود: «نخور، ولی آن را نیز حرام نشمار و مگو که حرام است، لکن آن را به کنار نه؛ زیرا در ظروف آنان خمر و گوشت خوک نیز ریخته می‌شود»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۶: ۲۶۴) و معتقدند از این روایت استفاده می‌شود که نجاست آنها عرضی است و مراد از روایات دسته اول، کراهت است و نه حرمت و مراد از نجاست هم نجاست عرفی (کثیف بودن آنها) است و نه نجاست شرعی. مراد از این روایات لزوم دوری جستن از آمیختن و دوستی با آنهاست (خمینی، کتاب الطهارة، ۳: ۴۱۱-۴۱۲).

امام، هرگاه نتواند بین دو روایت جمع کند آنگاه به سراغ ترجیح می‌رود. مرجحات از نظر امام عبارتند از:

الف) مرجحات متنی: از دیدگاه امام موافقت با قرآن، موافقت با سنت قطعی، موافقت با اجماع و ضروریات مذهب و مخالفت با عامه از مرجحات متنی روایت است (همو، همان، ۳: ۷۶؛ همو، الخلل فی الصلاة، مقدمة، ۳۳ و النص، ۲۰۴-۲۰۵).

از نظر امام، روایت مخالف با قرآن، سنت و اجماع طرح می‌شود، هر چند صحیح السند باشد (همو، الخلل فی الصلاة، ۲۰۵، همو، کتاب البیوع، ۳: ۲۸). به عنوان نمونه، در بحث از حیله‌های شرعی در ربا، با وجود این که بخشی از روایات مربوطه، از صحت سند برخوردار است، امام آنها را به دلیل مخالفتشان با قرآن مردود می‌داند و معتقدند روایاتی که مفاد آن تحصیل ربا از طریق حیله شرعی باشد، از مصادیق روایات مخالف با قرآن است که معصوم (ع) در مورد آنها فرموده است: «از زبان ما صادر نشده»^۲ بلکه «زخرف»^۳ و «باطل»^۴ است و... بر فرض صحت سند نیز نمی‌توان به آنها عمل کرد» (همو، کتاب البیوع، ۲: ۵۴۵ و ۵۵۵ و ۵: ۵۲۹-۵۳۳).

ب) مرجحات سندی: از دیدگاه امام، هرگاه دو روایت از نظر مضمونی با هم تعارض داشته باشند، ولی یکی دارای ضعف سند و دیگری قوت سند باشد،

۱. «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ مَا تَتَّوَلُّ فِي طَعَامِ أَهْلِ الْكِتَابِ فَقَالَ لَا تَأْكُلُهُ... وَلَا تَتْرَكُهُ تَقُولُ إِنَّهُ حَرَامٌ وَلَكِنْ تَتْرَكُهُ تَتْرَاهَا عَنْهُ إِنَّ فِي أُنْبُوتِهِمُ الْحَمْرَ وَ لَحْمَ الْخَنزِيرِ».

۲. پیامبر اکرم (ص): «مَا جَاءَكُمْ يَخَالِفُ الْقُرْآنَ فَلَمْ أَقُلْهُ» (برقی، ۱۳۷۱ق، ۱: ۲۲۱).

۳. امام صادق (ع): «كُلُّ شَيْءٍ مَرْدُودٌ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ السُّنَّةِ وَ كُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرَفٌ» (همان).

۴. امام صادق (ع): «مَا آتَاكُمْ عَنَّا مِنْ حَدِيثٍ لَا يَصَدِّقُهُ كِتَابُ اللَّهِ فَهُوَ بَاطِلٌ» (همان).

روایت ضعیف‌السند طرح می‌شود و به روایت دیگر عمل می‌شود (همو، کتاب البیع، ۳: ۳۱-۳۲).

۶. نتیجه‌گیری

روایات، منبعی مهم و کلیدی در منظومه فکری امام خمینی به شمار می‌آیند که رجوع دائم به آن‌ها از یک سو در فهم کلیات و جزئیات آموزه‌های دینی و از سوی دیگر، کمک شایانی به تربیت اخلاقی و معنوی فرد می‌کند. امام در فهم و نقد روایات از یکسری پیش‌فرض‌ها و مبانی بهره برده است.

الف) پیش‌فرض‌های فهم و نقد روایات از دیدگاه امام عبارتند از:

۱. درک جایگاه روایات؛ ۲. باور به مرجعیت عقل در فهم روایات.

ب) مبانی نقد روایات از دیدگاه امام عبارتند از:

۱. لزوم احراز صدور روایت از معصوم از طریق اخذ حدیث از منابع معتبر، احراز صحت سند، موافقت متن با قرآن و سنت قطعی، مطابقت با عقل و سیره عقلا، موافقت با اجماع و ضروریات مذهب، مورد عمل قرار گرفتن آن توسط اصحاب؛ ۲. ترجیح متن بر سند.

ج) مبانی فهم روایات از دیدگاه امام بدین قرارند:

۱. اطمینان از صحت روایت ۲. توجه به شئون و مناصب مختلف معصومان (ع) ۳. تثبیت متن (عدم اضطراب حدیث) ۴. تشکیل خانواده حدیث ۵. تجمیع ادله اعم از قرآنی، روایی، عقلی و شهودی ۶. بهره‌گیری از محاورات عرفی ۷. توجه به جامعیت روایات (وجود مباحث مختلف عبادی، سیاسی، اجتماعی و غیره در احادیث) ۸. توجه به سبب و زمان و مکان صدور حدیث ۹. توجه به تحولات زمان و روزگار ۱۰. توجه به سیاق روایت ۱۱. رفع تعارض از روایات متعارض.

منابع

قرآن کریم.

ابن حیون تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، قم، مؤسسة آل البيت، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق.
ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول ص، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
ابن صلاح شهرزوری، عثمان بن عبد الرحمن، علوم الحدیث، تحقیق: نورالدین عتر، دمشق، دار الفکر، ۱۴۲۱ق.

- اردبیلی، سید عبد الغنی، تقریرات فلسفه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.
- برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تصحیح: جلال الدین محدث، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ق.
- بروجردی، حسین، جامع احادیث الشیعة، به اهتمام اسماعیل معزی ملایری، قم، المطبعة العلمية، ۱۳۹۹ ق.
- تقوی اشتهازدی، حسین، تنقیح الأصول (تقریرات درس امام خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۸۵ ش.
- خمینی، سید روح الله، آداب الصلاة (آداب نماز)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۸ ش.
- _____، الاجتهاد و التقليد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.
- _____، الاستصحاب، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۸۵ ش.
- _____، استفتاءات، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی تا.
- _____، أنوار الهدیة فی التعلیقة علی الکفایة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۸۵ ش.
- _____، بدائع الدرر فی قاعدة نفی الضرر، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ ش.
- _____، تحریر الوسيلة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.
- _____، التعادل و الترجیح، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۸۴ ش.
- _____، التعلیقة علی العروة الوثقی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.
- _____، الخلل فی الصلاة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.
- _____، شرح جهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳ ش.
- _____، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۷ ش.
- _____، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ ش.
- _____، کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ش.
- _____، کتاب الطهارة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.
- _____، كشف الاسرار، تهران، دفتر نشر فلق، بی تا.
- _____، المكاسب المحرمة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.
- _____، وصیتنامه سیاسی- الهی امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ، بیست و نهم، ۱۳۸۸ ش.
- _____، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیستم، ۱۳۸۸ ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
- حلبی، ابوالصلاح تقی الدین، الکافی فی الفقه، تحقیق رضا استادی، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین (ع)، ۱۴۰۳ ق.
- رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، قم، مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳ ش.
- سبحانی، جعفر، تهذیب الأصول (تقریرات درس امام خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ش.
- سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۴ ق.
- شهیدثانی، زین الدین بن علی عاملی، الرعاية فی علم الدراية، تحقیق، عبد الحسین محمد علی بقال، قم، کتابخانه آية الله مرعشی، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
- صدوق، محمد بن علی، الخصال، تحقیق، علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
- _____، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.

- طاهری خرم آبادی، سیدحسن، کتاب البیع (تقریرات درس امام خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶ش.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تحقیق: سیدحسن خرسان، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- فاضل لنکرانی، محمد، کتاب الطهارة (تقریرات درس امام خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.
- _____، معتمد الأصول (تقریرات درس امام خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.
- قدیری، محمدحسن، کتاب البیع (تقریرات درس امام خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.
- کلباسی، ابوالهدی، سماء المقال فی علم الرجال، قم، مؤسسة ولی العصر (ع)، ۱۴۱۹ق.
- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۳۱ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تحقیق، سید ابراهیم میانجی و محمدباقر بهبودی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
- مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
- مرتضوی لنگرودی، سیدمحمد حسن، جواهر الأصول (تقریرات درس امام خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.
- معماری، داود، «امام خمینی و احادیث عرفانی، روایت و درایت»، حکمت معاصر، زمستان ۱۳۹۲ش، شماره ۴، ۱۲۱-۱۴۵.
- مهریزی، مهدی، «امام خمینی و فقه الحدیث»، مجله علوم حدیث، زمستان ۱۳۷۸ش، شماره ۱۴، ۲-۲۵.
- میرجلیلی، علی محمد، «بازخوانی نارسایی اضطراب حدیث، حکم و چگونگی تعامل با آن»، دو فصلنامه حدیث پژوهی، بهار و تابستان ۱۳۸۸ش، شماره ۱، ۱۲۹-۱۶۶.
- _____، روش و مبانی فقه الحدیث، یزد، دانشگاه یزد، ۱۳۹۰ش.
- _____، «مبانی فهم حدیث از دیدگاه شیخ حر عاملی»، مطالعات قرآن و حدیث، بهار و تابستان ۱۳۹۲ش، شماره ۱۲، ۵-۲۷.
- نجفی، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۹۸۱م.
- نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ق.